



# ما مثل هم نیستیم

سعید بی‌نیاز

مدرس و مؤلف کتب آموزشی مهارت‌های زندگی

زندگی به معنای تخصصی، که ما امروز در ذهنمان داریم، از اواسط قرن بیستم به شکل جزیره‌ای و بسته‌وگریخته وجود داشته است، اما اولین بار سازمان جهانی بهداشت بود که در چند سند به هم پیوسته یک تقسیم‌بندی منظم، رویکردهای پرورشی خاص، تکنیک‌های آموزشی خاص و شیوه سیاست‌گذاری و گسترش مهارت‌های زندگی در کشورها را پیشنهاد کرد (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۳).

## سخنرانی نکنیم

در این اسناد، دو رویکرد پرورشی شناخته شده و مناسب برای آموزش مهارت‌های زندگی پیشنهاد شد: رویکرد پرورشی فعال و تجربی. در رویکرد فعال، هم یادگیرنده و هم یاددهنده در آموزش درگیرند و در رویکرد تجربی، آموخته‌ها به زندگی واقعی مرتبط می‌شوند.

سازمان جهانی بهداشت برای هر کدام از این رویکردها دو شیوه آموزشی هم پیشنهاد داد: بارش فکری و مباحثه برای فعال بودن یادگیرنده در آموزش و نقش بازی کردن و تکلیف

«من از درس مهارت‌های زندگی ۲۰ گرفتم»، «من همه راه‌های مقابله با ترس را از حفظم»، «من جزوه مهارت‌های زندگی را چند بار دوره کرده‌ام» ... احتمالاً سیاست‌گذاران نخستین آموزش پیشگیرانه مهارت‌های زندگی در سازمان جهانی بهداشت یا حتی پیشروان حوزه مهارت‌های زندگی در ایران هرگز فکر نمی‌کردند روزی در سال ۱۳۹۷، چنین جمله‌هایی از زبان دانش‌آموزی ایرانی که دوره مهارت‌های زندگی را در مدرسه گذرانده است بشنوند، اما واقعیت بی‌رحم است. آموزش مهارت‌های زندگی مد آموزشی این سال‌هاست. وقتی محتوای آموزشی، در دسترس، مخاطب‌خواهان، بسیار و مدرس، آموزش‌نדיده باشد، شیوه آموزش، بسیار از استانداردهای واقعی دور می‌شود. در این نوشته می‌خواهیم بعضی از شیوه‌های استاندارد آموزش مهارت‌های زندگی را مرور کنیم و رویکردی تازه یعنی «آموزش مهارت‌های زندگی همراه با فعال کردن هوش‌های چندگانه» را پیشنهاد دهیم. بنابر آنچه در اولین سند سازمان جهانی بهداشت درباره مهارت‌های زندگی (۱۹۹۳)، آمده است، آموزش مهارت‌های



یاد می‌گیرند. جز این، شخصیت متفاوت افراد هم می‌تواند در یادگیری آن‌ها مؤثر باشد.

### هوش‌های چندگانه، احترام به فردیت یادگیرنده

یکی از مشهورترین رویکردهایی که به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان احترام می‌گذارد، رویکرد آموزشی هوش‌های چندگانه هوارد گاردنر<sup>۱</sup> است. گاردنر در ابتدا نه یک نظریه پرداز یادگیری، بلکه یک نظریه پرداز هوش بود. او در کتاب انقلابی‌اش به نام «قاب‌های ذهن»<sup>۲</sup> تقسیم‌بندی‌های سنتی هوش را زیر سؤال برد و گفت که در مشهورترین تست‌های هوش رایج، تنها دو نوع از هوش‌های انسان یعنی هوش منطقی - ریاضی<sup>۳</sup> و هوش زبان‌شناختی<sup>۴</sup> سنجیده می‌شود. جالب آنکه مدارس

کلاسیک نیز هم در محتوای آموزشی، هم در شیوه آموزش و هم در سنجش آنچه یاد گرفته شده است، از همین دو نوع هوش استفاده می‌کنند، اما گاردنر ابتدا از هفت نوع هوش نام برد: هوش زبان‌شناختی، هوش منطقی ریاضی، هوش موسیقایی<sup>۵</sup>، هوش فضایی - بصری<sup>۶</sup>، هوش بدنی - حرکتی<sup>۷</sup>، هوش میان‌فردی<sup>۸</sup>، و هوش درون‌فردی<sup>۹</sup>. او در تجدیدنظری که بر نظریه‌اش انجام داد، هوش هشتمی را هم اضافه کرد: هوش طبیعت‌گرایانه<sup>۱۰</sup>. البته او هوش نهمی را هم به نام هوش وجودی<sup>۱۱</sup> پیشنهاد داد که تاکنون نتوانسته است ملاک‌های لازم برای تعریف گاردنری هوش را کسب کند. تعریف هر کدام از این هوش‌ها در کتاب‌های گاردنر و کتاب‌های متأثر از نظریه او موجود است. گاردنر می‌گفت افرادی که در تست‌های رایج هوش، باهوش در نمی‌آیند، ممکن است در هوش‌های دیگری بالا باشند.

به زبان دیگر، هر فردی هر می‌منحصر به فرد از انواع هوش‌هاست. چند هوش در نوک هرم وجود دارند، چند هوش در وسط و چند هوش در پایین هرم.

### هوش‌های چندگانه در محیط‌های آموزشی

بعد از مطرح شدن نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر، افراد دیگری با اشتیاق از این نظریه در محیط‌های آموزشی استفاده کردند. در اینجا این سؤال مطرح شد: اگر ما چند نوع هوش داریم و بنابراین یادگیرنده‌هایی با انواع هوش، چرا فضا و تکنیک‌های آموزشی‌مان را به سمتی نبریم که همه انواع هوش را درگیر کند؟ به زبان ساده، آن‌ها دریافتند که می‌توان محتوای آموزشی یکسانی مثل «دو به علاوه دو مساوی با چهار» را به هشت زبان آموزش داد؛ هشت فعالیت که هر کدام نوعی از هوش را بیشتر از هوش‌های دیگر فعال می‌کند. به این ترتیب،

خانگی برای وصل کردن آموزش مهارت‌های زندگی به تجربه زندگی روزمره مهارت آموز.

در کنار این پیشنهادها، سازمان جهانی بهداشت مربیان مهارت‌های زندگی را از رویکرد سنتی آموزش و شیوه رایجش، یعنی سخنرانی برای آموزش مهارت‌های زندگی، بر حذر داشت.

### تفاوت‌های فردی در یادگیری

رویکرد پیشنهادی سازمان جهانی بهداشت، همچنان شرط لازم برای آموزش مهارت‌های زندگی است. اگر یادگیرنده فعال نباشد و آموزش‌ها به زندگی واقعی‌اش مرتبط نشوند، ما در بهترین حالت جزوه مهارت‌های زندگی را به شیوه معلم سنتی از رو خوانده‌ایم و کلاس مهارت‌های زندگی را بی‌حاصل تمام کرده‌ایم. اما غیر از فعال و تجربی بودن آموزش، نگاهی که در اسناد اولیه سازمان جهانی بهداشت وجود ندارد، اهمیت تفاوت‌های فردی در یادگیری است. چنان‌که می‌دانیم، چندین تقسیم‌بندی از سبک‌های یادگیری وجود دارد که نشان می‌دهد افراد، یک محتوای آموزشی یکسان را به شیوه‌های متفاوتی

**آموزش مهارت‌های زندگی مد آموزشی این سال‌هاست. وقتی محتوای آموزشی، در دسترس، مخاطب‌خواهان، بسیار و مدرس، آموزش ندیده باشد، شیوه آموزش، بسیار از استانداردهای واقعی دور می‌شود**

هیچ فعالیتی وجود ندارد که تنها یک نوع هوش را درگیر کند.

### ۱. پرورش خودآگاهی با فعال کردن هوش فضایی

بصری:



طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، خودآگاهی یعنی شناخت ویژگی‌ها، توانایی‌ها، ضعف‌ها، علاقه‌ها و بیزاری‌های خود (۱۹۹۳). همهٔ فعالیت‌های ترسیمی، هوش فضایی بصری را فعال می‌کنند؛ بنابراین، فعالیت پیشنهادی یونیسف با عنوان «تی‌شرت توانایی‌ها» می‌تواند هوش فضایی بصری را فعال کند.

در این فعالیت، از مهارت‌آموزان می‌خواهیم که سه تا از توانایی‌های خود را روی تی‌شرت‌های سفید یا کاغذهایی که تی‌شرت ساده‌ای روی آن‌ها چاپ شده است، نقاشی کنند. بعد از اتمام نقاشی خود، آن را به مهارت‌آموزهای دیگر نشان دهند و توانایی‌هایشان را نام ببرند.

### ۲. پرورش همدلی با هوش زبان‌شناختی:

همدلی یعنی توانایی تصور زندگی فردی دیگر. همدلی بیش از همه در موقعیت‌هایی که افراد مشکلی دارند و آن را با دیگران در میان می‌گذارند، به کار می‌آید. در بازی همدلی‌های



برنده هوش زبان‌شناختی یا کلامی فعال می‌شود. در این بازی، افراد مشکلشان را روی کارت‌های محرمانه می‌نویسند و در یک پاکت می‌اندازند. هر کس به نوبت کاردی را برمی‌دارد و با نویسنده مشکل همدلی می‌کند. افراد دیگر باید به میزان همدلی کسی که کارت را برداشته است، امتیاز دهند و بگویند چرا این امتیاز را می‌دهند.

### ۳. پرورش ارتباط مؤثر با هوش منطقی ریاضی:

بازخورد دادن، سؤال کردن، پیام را به‌طور دقیق رساندن و توجه به زبان بدن از خرده‌مهارت‌های مهارت ارتباط مؤثر است. بازی پیشنهادی یونیسف با عنوان «نقاشی کن، سؤال نکن» می‌تواند هوش منطقی - ریاضی را فعال کند. در این بازی، افراد در گروه‌های دو نفره پشت به پشت هم می‌نشینند. نفر اول باید یک نقاشی ساده را با گفتن جهت‌ها، اندازه‌ها و اشکال هندسی برای نفر دوم توضیح دهد و نفر دوم بدون سؤال کردن، نقاشی را کپی کند. تفاوت فاحش دو نقاشی، به دلیل استفاده نکردن



بیشتر یادگیرنده‌ها «دو به‌علاوهٔ دو مساوی با چهار» را یاد خواهند گرفت.

در حال حاضر، چندین مدرسه در دنیا با رویکرد آموزشی هوش‌های چندگانه تأسیس شده‌اند. به‌علاوه، از این رویکرد آموزشی برای آموزش علم، آموزش زبان دوم و دیگر آموزش‌های مستقل استفاده می‌شود.

### هوش‌های چندگانه و مهارت‌های زندگی

دوباره به سر خط برگردیم. چگونه می‌توان از رویکرد هوش‌های چندگانه در آموزش مهارت‌های زندگی بهره برد؟ قبل از آن باید چند پیش شرط را رعایت کرد:

۱. مدرس باید رویکرد آموزشی هوش‌های چندگانه و محتوای آموزشی مهارت‌های زندگی را بشناسد.
۲. محتوای آموزش مهارت‌های زندگی باید کاملاً تعریف شده باشد.
۳. فعالیت‌ها و بازی‌های موجود مهارت‌های زندگی باید در رویکرد هوش‌های چندگانه، دوباره تقسیم‌بندی شوند و برای هوش‌هایی که برای آن‌ها فعالیت وجود ندارد، فعالیت تعریف کرد.
۴. فعال بودن یادگیرنده، وصل شدن آموزش به تجربهٔ زندگی روزمره و سطح‌شناختی یادگیرنده باید در طراحی فعالیت‌ها در نظر گرفته شود.

حالا بیایید چند مهارت از مهارت‌های ده‌گانهٔ سازمان جهانی بهداشت را در نظر بگیریم و ببینیم چگونه می‌شود فعالیت‌هایی را تعریف کرد که هوش‌های مختلف را درگیر کند. گروه سنی را هم گروه سنی دانش‌آموزان دبستان دورهٔ دوم (۱۰-۱۲ سال) در نظر می‌گیریم.

چون در این فرصت اندک نمی‌توان هشتاد فعالیت (ده مهارت ضرب در هشت هوش) را تعریف کرد، از هر مهارت یک فعالیت که هوش متفاوتی را فعال می‌کند انتخاب می‌کنیم. یادمان باشد از آنجا که مغز یک سیستم به هم پیوسته است، تقریباً

**اگر یادگیرنده فعال نباشد و آموزش‌ها به زندگی واقعی‌اش مرتبط نشوند، ما در بهترین حالت جزوهٔ مهارت‌های زندگی را به شیوهٔ معلمان سنتی از رو خوانده‌ایم و کلاس مهارت‌های زندگی را بی‌حاصل تمام کرده‌ایم**



**چندین تقسیم‌بندی از سبک‌های یادگیری وجود دارد که نشان می‌دهد افراد، یک محتوای آموزشی یکسان را به شیوه‌های متفاوتی یاد می‌گیرند. جز این، شخصیت متفاوت افراد هم می‌تواند در یادگیری آن‌ها مؤثر باشد**

#### ۹. آموزش حل مسئله با هوش طبیعت‌گرایانه:

برای پرورش مهارت حل مسئله، می‌توان مهارت‌آموزان را به اردوی طبیعت‌گردی برد و آن‌ها را با چالش‌هایی مواجه کرد که هر کدام می‌بایست، برایش راه حل بیابند؛ مثلاً چالش عبور از یک رودخانه کم عمق اما بدون پل.

#### ۱۰. پرورش تصمیم‌گیری با هوش بین فردی:

برای پرورش مهارت تصمیم‌گیری با فعال کردن هوش بین فردی می‌توان از بازی «انجام بده، انجام نده» (مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان دبستان، برای پنجمی‌ها) بهره برد. در این بازی، افراد در گروه‌های سه نفره نقش تصمیم‌گیرنده، انجام بده و انجام نده را بازی می‌کنند. تصمیم‌گیرنده یکی از دو راهی‌های واقعی زندگی‌اش را می‌گوید و انجام بده و انجام نده هر کدام طرفدار یکی از دو راه می‌شوند. در نهایت، تصمیم‌گیرنده باید شنیده‌های دو طرف را بررسی کند و تصمیم بگیرد.

\* پی‌نوشت‌ها

1. Howard Gardner
2. Frames of mind
3. Logical - Mathematical
4. Linguistic
5. Musical
6. Visual spatial
7. Bodily kinesthetic
8. Interpersonal
9. Intrapersonal
10. Naturalist
11. Existential

۱۲. (مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان دبستان، برای چهارمی‌ها)

۱۳. (مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان دبستان، برای پنجمی‌ها)

\* منابع

منابع در دفتر مجله موجود است

عمدی از ابزارهای ارتباط مؤثر است.

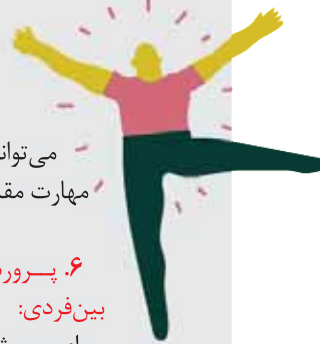
#### ۴. پرورش مهارت‌های ارتباط بین فردی با هوش موسیقایی:

برای آموزش خرده مهارت کارگروهی، از مهارت‌های ارتباط بین فردی، می‌توان از افراد خواست که با هم به گروه‌های مساوی تقسیم شوند، تقسیم کار کنند و یا آهنگی را با هم بخوانند و با وسایل موجود در محیط آموزشی آن را بنوازند. این فعالیت، هوش موسیقایی را فعال می‌کند.



#### ۵. آموزش مقابله با استرس با هوش بدنی - حرکتی:

آموزش انواع تن‌آرامی (ریلکسیشن) می‌تواند با فعال کردن هوش بدنی - حرکتی، مهارت مقابله با استرس را آموزش دهد.



#### ۶. پرورش مهارت مقابله با هیجان‌ها با هوش بین فردی:

برای پرورش مهارت مقابله با هیجان‌ها می‌توان از فعالیت‌های گروهی بهره برد. برای مثال، می‌توان افراد را به گروه‌های چهارنفره تقسیم کرد، در هر گروه تجربه هیجان خشم تک تک اعضا روایت شود، افراد گروه در مورد بهترین راه مقابله با تجربه خشم عضو گروه نظر دهند و بهترین راه‌های مقابله با گروه‌های دیگر هم در میان گذاشته شود.

#### ۷. پرورش تفکر خلاقانه با هوش درون فردی:

برای پرورش تفکر خلاقانه می‌توان از مهارت‌آموزان خواست که در فضای تأمل خودشان، اتاقی کاملاً شخصی را طراحی کنند که با اتاق فعلی خودشان کاملاً متفاوت است. این فعالیت، هوش درون فردی را فعال می‌کند.

#### ۸. آموزش تفکر نقادی با هوش منطقی ریاضی:

برای پرورش تفکر نقادی به معنای بررسی بی‌طرفانه داده‌ها و تجارب، می‌توان از هوش منطقی ریاضی بهره گرفت. در بازی فال بازی (مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان دبستان، برای پنجمی‌ها)، افراد در گروه‌های نمایشی نقش فال‌گیر، ساده‌لوح، متفکر و آدم معمولی را بازی می‌کنند. آن‌ها در این بازی یاد می‌گیرند که ترندهای فال‌گیرها را زیر سؤال ببرند و در مورد آن‌ها آگاهانه بیندیشند.

$$x^2 + y^2 = z^2$$

